

طرح نو

گبروز
**بی‌نیازی از بهزیستی،
اولویتی برای مددجویان**
گفتگو با عبد الرضا عزیزی



بازخوانی
**«پلیس» حمایت
نمی‌کند، می‌کشد**
حمید رضا عظیمی



صلح توش

صلح؛ شاید وقتی دیگر

مهدی افشار

اسناد، دانشگاه، مترجم

شاید این گفته خیلی تلخ به نظر برسد ولی گویا جهان هیچ‌گاه روی صلح را نخواهد دید، چون که انسان به‌عنوان اثر گذارترین چینه روی زمین موجودی است که اصولاً از خشونت لذت می‌برد. شاید هزاران سال طول بکشد تا انسان به اندیشه، گوش و سرشتی دست یابد که بتواند در کنار دیگران در آرامش زندگی کند. گذار برای او روشن‌تر شدن موضوع مثالی بسیار است؛ در زندگی روزمره و در همین خیابان‌های شهرمان افرادی را می‌بینیم که برای سبقت گرفتن از هم جقدر خشن هستند قسمتی از این خشونت به زینتیک آدمی برمی‌گردد انسان هزاران سال پیش برای گذار از زندگی مجبور بوده تا طبیعت بختگ تا به حیثیات ادامه دهد و امروزه نیز برای ادامه حیثیات همین گونه رفتار می‌کند، منتها با شکل و شماری دیگر انسان اما هنوز جلوران را به راحتی سر می‌برد این یعنی هنوز به جایی نرسیده که بدون کشتن به حیثیات ادامه دهد و نیز بدن خود را تأمین کند؛ کمی بعد به نظر می‌رسد که آدمی بتواند با آرامش و کپتوروار در کنار هم‌عاش زندگی کند. امروزه آدمی در پی ساختن سلاجایی است به مراتب خط‌باک‌تر از آنچه تاکنون استفاده می‌کرده است. بشری که روزگاری با شمشیر و گرز به جنگ می‌رفت، همب آنهم می‌مزد و فاجعه‌ها می‌کند و ریشمار ایجاد می‌کند و توحش‌ان را برای این کشتار و خشونت تنها یک جمله کوتاه است تا با چرخش خود به خشونت آدمی برای رفع نیاز روحی خود به خشونت جنگ‌ها و کشتارها را راه می‌اندازد آدمی برای ساختن جهان بهتری از آنچه که در آن زندگی می‌کند باید راه‌هایی را بیابد تا بتواند خشونت خود را کنترل یا حتی به آرامش بسدل کند انسان خردمند در پی این بوده و خوشبختانه به راه‌هایی هم رسیده است. شاید یکی از این راه‌ها ورزش‌های رزمی یا همین فوتبال باشد که طرفداران بشمار می‌آید و در آن راه‌ها یکی از راه‌هایی که می‌توان خشونت را هدایت شده تخلیه کرد. کوهنوردی هم به نوعی مبارزه آدمی را به رخ می‌کشد. فرد کوهنورد برای قاپ امنین بر طبیعت مشکلات مسیری را به جان می‌خرد و خشم خود را در جنگ با مشکلات به کار می‌گیرد. یکی از ویژگی‌های بشر این است که از یک کنج‌خوشی بیزار است و از تمام ترحولتی که در زندگی رخ می‌دهد، لذت می‌برد البته به شرطی که آن تحول زیاد به خودش آسیب نرساند. وقتی تاریخ جنگ‌های داخلی آمریکا را مرور می‌کنیم عیناً به همین زمینه‌های شمال و جنوب و یک ملت واحد بودند به جنگ هم می‌رفتند، شوقی و صف‌شدنی وجودشان را بر کرده بود، البته بعد از این که فاجعه لوج گرفت بر جنگین آرزو شدند برای کنترل خشم آدمی جنگ‌های سال‌ها با قتل حاکم‌ها تا بتوانند انسان را به یک‌سوی ملایم‌تر سوق دهد. صلح‌مان جامعه و کسلی که طالب اصلاح جامعه‌اند باید آگاهانه و به شیوه رئالیستی این واقعبند آفول کنند و این مهم را انکار نکنند و نگویند انسان موجودی آرام و صلح‌طلب است. این یک واقعیت است که انسان در زویا و ایمانی خشونت را دوست دارد، البته نباید فراموش کرد که همه افراد به یک اندازه خشن نیستند. هر قدر جامعه به توسعه اجتماعی و فرهنگی برود، افزایش آموزش‌ها بیشتر می‌بینند و افراد در جامعه فریخته‌تر شوند، جامعه به سمت آرامش می‌رود چرا که انسان‌افراد در خلال روند‌های مثبت فرهنگی است که یاد می‌گیرند آرام‌تر باشند. در وهله اول باید این را قبول کرد که آدمی موجودی جنگ‌طلب است و بعد در راهکار درست تخلیه انرژی‌های منفی و او بداند که اگر با خشم ناتی‌بشر نمی‌توان به داشتن صلح‌آمیز بود. اگر انسان است که برای تمام جوامع امکانات فراهم‌مده که درمناشان بتوانند خشم خود را به صورت هدایت شده در یک مسیر درست به کار ببرند. انسان باید بتواند در طول زندگی خود همیشه در حال مبارزه باشد و اگر نتواند این مبارزه را جهت داده و مسیر سازندگی‌گر قرار دهد، می‌توان زیربناهای داشتن یک جهان پسر صلح آسوده‌گرد و داشتن چنین جهانی از این رهگذار خرد خود را دست‌نبرد.

نکته: تصویر سحر/تاریخ‌نگار



نکته: تصویر سحر/تاریخ‌نگار

نگاه فرهنگی

حقوق شهروندی و موانع اجرای آن

ایمان حاج محمود عطار | حوقدان |

حقوق دارد و کیل دادگستری و مسلط به قوانین شهروندی است) عزم و اراده قاطع در اجرای حقوق بشر و حقوق شهروندی ایرانیان داشته باشد. نیاز به تعیین و تصویب مقررات دیگری تحت عنوان منشور حقوق شهروندی یا عنوانی دیگر نیست. اگر دولت جمهوری اسلامی و شخص رئیس‌جمهوری بخواند حقوق شهروندی مردم رعایت شود با همین قوانین لازم‌الاجرای داخلی و اعلامیه حقوق بشر و دو می‌تواند بین المللی می‌تواند اجرای حقوق شهروندی را تحقق بخشد. چهار چوب‌های دیگری نیست. لازم به توضیح است در اوایل انقلاب اسلامی روابط امنیتی، تحولات سیاسی و حکومتی در حالی که تغییر نظام حقوقی و قضایی کشور از نظام حقوق نظام اسلامی را داشتند، شرایط اجرای حقوق شهروندی برای ما چندان فراهم نبود و علاوه بر این و محاصره اقتصادی و مشکلات متعدد، شرایط را سخت‌تر کرد. در حال حاضر خوشبختانه با روی کار آمدن آقایان رئیس‌جمهوری از یک سو و قویان و آشنایه قوانین حقوق است. در حالی که تعطل خواهد بین ایران و نهادهای حقوق بشری است. همچنین، ایستادگی این حقوق به مرور در قوانین و مراکز اجرایی ما مورد توجه قرار گیرد و به نوعی احیا شود. **ارامه در صفحه ۱۰**

در آغاز هر بحث، بهتر این است که به مفهوم مورد نظر اشاره کنیم و تعاریف ارائه دهیم. در این مجال نیز که قرار است از حقوق شهروندی بحث به میان آوریم، ابتدا بهتر است به تعریف حقوق شهروندی و انواع آن اشاره‌ای داشته باشیم. حقوق به‌طور کلی عبارت است از مجموعه مقررات و قواعدی که توسط بین شهروندان یا یکدیگر، شهروندان با دولت و دولت با شهروندان و همچنین تضایق بین شهروندان در این روابط بین افراد و دولتها و دولتها با هم حاکم باشد. در تعریف حقوق شهروندی از منظر برخی صاحب‌نظران کتب حقوقی، همان حقوق بشر است. حقوق شهروندی از منظر برخی فطری و سلطنتی است. شهروندان است. به بیان ساده‌تر، یکسری حقوق برای ایجاد نظم عمومی و آسایش و امنیت جامعه از طریق قانون‌گذاری در مجلس برقرار می‌شود. این مقررات چهارچوب‌هایی برای همه افراد جامعه مشخص می‌کند و وظیفه است که یکسری از ادای‌های همگانی را برای آنها تعیین کند. مانند رفت و آمد در خیابان‌ها که نظم عمومی ایجاد می‌کند. اگر از تقابک و به هم نخورن تضایق شهروندی یعنی در روزها و مکان خاص در شهرهای بزرگ قوانین محدودیت رفت و آمد حاکم می‌شود. می‌توان گفت این قوانین در برخی از موارد به حقوق شهروندی لطمه

وارد می‌کند اما این حقوق، حقوق فطری و سلطنتی شهروندی نیست. حقوقی فطری محسوب می‌شوند که قانون‌گذار نتواند با تعیین قوانین آن حقوق از شهروندان سلب کند و به عبارتی شهروندان از زندگی اجتماعی آنها محروم کند. مانند حق داشتن حق سخن، حق داشتن حق آذوقه شهروندی که همه آنها سلطنتی هستند و در قلم خود قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصریح شده است. این حقوق را هیچ دولت و هیچ مجلس شورای اسلامی و هیچ کدام از کارگزاران نمی‌توانند با تعیین حدود و چهارچوب‌هایی از مردم سلب کنند. پس مشخصاً حقوق شهروندی حقوقی است که به‌طور کلی در فصل سوم قانون اساسی بیان شده است. کشور ایران پیش از انقلاب اسلامی به منشور حقوق بشر سازمان ملل ملحق شده است و نماینده رسمی جمهوری اسلامی در شورای حقوق بشر سازمان ملل معرفی شده و در همه جلسات این شورا هم حضور داشته



اراد و دولت و به‌ویژه شخص رئیس‌جمهوری عزم و اراده قاطع در اجرای حقوق بشر داشته باشد. نیاز به تعیین و تصویب مقررات دیگری تحت عنوان منشور حقوق شهروندی یا عنوانی دیگر نیست

نگاه روز

جامعه قانونمند، جامعه‌ای با دور از خودخواهی

فریده غیرت

خوشحال



رعایت قانون و توجه به آن، یکی از اصلی‌ترین و اصولی‌ترین مسائلی است که زندگی اجتماعی به آن نیاز دارد و در این راستا همه ایده‌آل این است که همه تابع قانون باشند. از زمانی که قانونمندی و قانون‌گرایی به‌عنوان اصل اساسی مورد توجه جوامع قرار گرفته، اصل اهمیت دوچندان یافته است. این قانون به هر نحوی که شکل یافته باشد، در نهایت فصل‌الخطاب است و رعایت آن بر همگان واجب اینجاست که بر سر رعایت و عدم رعایتش مشکلات گسترده‌ای در جوامع به وجود آمده است. اهمیت رعایت قانون اما زمانی بیش از پیش خود را نشان می‌دهد که فواید آن بر همگان آشکار شود. گسترگی فواید آن برای فرد و جامعه است که نتوانسته اعمال قانون را به عصر اصلی جامعه بدل کند. زمانی که زندگی اجتماعی از مدار قانونمندی و قانون‌پذیری گذر کند، سلامت و امنیت اجتماعی افزایش می‌یابد و افزایش سلامت و امنیت اجتماعی نیز تبعات مثبت دیگری خواهد داشت که می‌توان به افزایش انگیزه در افراد برای شرکت در مسائل اجتماعی، امید به آینده، افزایش حس مسئولیت‌پذیری اجتماعی، کمک به هموع و... اشاره کرد. زمانی که تمامی اتفاقات زندگی اجتماعی فرد از گله‌گاه قانون بگذرد، آن جامعه می‌تواند به آینده خود امیدوار باشد و در حقیقت این زندگی اجتماعی است که اجاب می‌کند مقررات حاکم باشد تا با وجود این مقررات زندگی اجتماعی امن شود. در این میان قوانین هم عوامل بازدارنده دارند و هم عناصر تشویق‌کننده. قانون امکان است. مورد پسند خیلی‌ها باشد اما در این راستا آنچه اثرگذار است، تربیت فردی و اجتماعی است. زمانی که فرد از دوران کودکی در فضای رشد می‌کند که احترام به قانون مدرسه به تبعیت از قانون مدرسه و فضای بیرون عادت می‌کند و در سنین نوجوانی هم به قوانین اجتماعی آگاه شده و آنها را در عمل قبول می‌کند، این فرد کسی است که می‌تواند در آینده هم چنین رویکردی داشته باشد.

نگاه به قانون هم در خانواده و هم مدرسه، باید به درستی به کودکان آموزش داده شود و آنها را با حس مثبت با قانون آشنی دهد. کودکان چنانچه در هر زمانی با تعاریف درست آشنا شوند، این آشنایی می‌تواند موجبات وقایع جمعی را در آینده فراهم سازد و همین امر هم پایه‌های زندگی اجتماعی درست را تشکیل می‌دهد. از سویی ما در حال حاضر شاهد بی‌توجهی به آموزش قانون به کودکان و ریشه‌زداندن نوعی خودخواهی در جامعه هستیم. این امر البته دلایل گوناگونی دارد که از آن جمله می‌توان به فرو رفتن افراد جامعه در لاک دفاعی، درون‌گرایی و اهمیت نداشتن دیگران اشاره کرد.

این عدم‌اهمیت دادن یک فرد نسبت به دیگران تبعاتی با خود به همراه دارد که می‌تواند در این زمینه به عدم رعایت قانون اشاره کرد. در نهایت اما باید گفت که قانون‌گریزی ریشه در رستاخ اجتماعی و روانی افراد جامعه دارد. ابعدادش گسترده و حسل آن نیازمند راهکارهای بطنی و مولاتی‌مدت است. از این رو نیازمند نگاه همه‌جانبه و اصولی است. چنانچه این نگاه در جامعه نهادینه نشود، می‌توان انتظار رعایت کوچکترین قوانین را داشت و اینجاست که مشکلات جامعه عبران‌تر از قبل خود را نشان می‌دهد به نحوی که در لمسی این مشکلات برای همگان هر روز عادی و عادی‌تر می‌شود.

